

## بیانیه کمیته مرکزی حزب بلشویک (کردستان شمالی / ترکیه)

### یازدهمین کنگره با موفقیت به پایان رسید

به رفقائی که در کردستان شمالی/ ترکیه و در سراسر جهان برای جهانی بدون استثمار، جهانی برای سوسیالیسم و کمونیسم مبارزه می‌کنند...

کارگران و زحمتکشان شمال کردستان و ترکیه ...

پرولتاریا تمامی کشورها و خلق‌های تحت ستم... روی سخن ما با شماست!

حزب بلشویکی ما چندی بیش یازدهمین کنگره خود را با موفقیت به پایان رساند. کنگره ما با شرکت نمایندگانی که از طرف تمامی حوزه‌های حزبی انتخاب شده بودند رسمیت یافت. همچنین هیأت نمایندگی از طرف یک حزب خواهر/ برادر ما، «بدیل بلشویکی آلمان»، در این کنگره حضور داشت.

کنگره ما تکامل اقتصادی و سیاسی در فاصله سالهای ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹ را مورد ارزیابی قرار داد. تکامل سیاسی و سازمانی حزب ما نقادانه بازنگری شد. گزارش سیاسی که از طرف دهمین کمیته مرکزی به کنگره ارائه داده شده بود- «گزارش سیاسی» و «فعالیت عملی»- مورد بحث همه جانبه و خلاق قرار گرفت. هر دو آن‌ها با تغییرات جزئی و همین طور مواضع اقلیت کمی از رفقا در صورت جلسه ثبت و مورد تأیید جمعی قرار گرفت.

طرح‌های مختلفی که قبل از کنگره حزب برای بحث ارائه داده شده بود یکی بعد از دیگری با بحث‌های عمیق و همه جانبه به تصویب رسید. کنگره ما همچنین به بحث‌های خلاق دربار کار ما در مرحله پیش رو پرداخت و در این رابطه پیشنهادهایی را در باره برنامه کار مورد تصویب قرار داد.

کنگره ما کارش را با انتخاب اعضای کمیته مرکزی جدید که بر اساس یک ارزیابی عمیق و گفتگوی همه جانبه با تمامی نامزدهای انتخاباتی صورت گرفت، به پایان رساند.

### راه جلوگیری از جنگ: انقلاب به رهبری پرولتاریاست

\* کنگره ما زمانی برگزار می‌شود که مبارزه برای تقسیم نوین جهان بین قدرت‌های امپریالیستی شدت یافته است. تغییرات بزرگ تناسب قوا بین قدرت‌های امپریالیستی بطور اجتناب‌ناپذیر باعث تشدید تضادها و نیز مبارزه برای تقسیم مجدد جهان گشته است.

این درگیری‌ها در شرایط فعلی بصورت جنگ‌های امپریالیستی بیان بیرونی نیافته‌اند که قدرت‌های امپریالیستی در دسته بندی‌های مختلف مستقیماً علیه یکدیگر وارد جنگ شوند، بلکه آن‌ها با تمامی وسایل می‌کوشند در مبارزه‌ای رقابت‌آمیز در کشورهای وابسته حوزه نفوذ خود را گسترش داده و مناطق تحت کنترل رقیب را محدود کنند.

ابزار آن‌ها در شرایط فعلی جنگ تجاری و اقتصادی، کودتاهای قضائی- و نظامی و جنگ‌های نیابتی است. ولی جهان امپریالیستی با قدم‌های بزرگ به سمت جنگ جهانی سوم به پیش می‌رود. تصور اینکه جابجائی کلان تناسب قوا در جهان امپریالیستی را می‌توان بدون تقسیم مجدد جهان و بدون جنگ به پیش برد، خیال باطلی است.

جواب به میل مفرط مردم به جلوگیری از جنگ جهانی دیگر در جهان امپریالیستی و اینکه جهان و انسانیت را از جنگ خانمان‌سوزی دیگر نجات داد، تنها می‌تواند یک انقلاب بلشویکی باشد. امروز وظیفه کمونیست‌هاست که در مبارزه برای صلح و در مخالفت با خطر روزافزون جنگ جهانی، این واقعیت را خستگی‌ناپذیر در میان توده‌های صلح‌طلب گسترش دهند. کنگره ما بار دیگر این مهم را تأیید کرد.

### مبارزه علیه رشد راسیسم و فاشیسم می‌بایست بمتابه بخشی از مبارزه علیه سرمایه‌داری درک شود!

\* تدارک امپریالیست‌ها برای جنگ جهانی جدید از جمله توسعه راسیسم و فاشیسم در سیاست داخلی تمامی کشورها انعکاس پیدا کرده‌است. پوسته دروغین «پایان کمونیسم»، «دوران پیروزی دموکراسی لیبرال» و یا «پایان تاریخ» که توسط بورژوازی بعد از از هم‌پاشی اردوگاه سوسیال امپریالیستی تبلیغ می‌شد، در زمانی کوتاه ترک برداشت و ماهیت آن روشن شد. روند تحولات در چهار سال اخیر نوعی تمایل به راست را در کشورهای امپریالیستی نشان می‌دهد.

این مسأله خود را بیش از همه در توسعه راسیسم و فاشیسم و یافتن «دستی آهین» در تمامی کشورهای سرمایه-داری/امپریالیستی از جمله در «دمکراترین» آن‌ها نشان می‌دهد. در کشورهای وابسته به امپریالیسم نیز طبقه حاکم تحت پرچم دروغین «مبارزه با تروریسم» با توسل به راسیسم آتش افروزی می‌کند.

خشم برحقی که در میان توده‌های زحمتکش علیه پامال کردن حقوق کسب شده شعله‌ور شده است با کمک راسیسم به «آنهائی» که گویا با ما «بیگانه» هستند منتقل می‌شود.

در کشورهای امپریالیستی غربی، راسیسم اغلب به شکل راسیسم اسلام و یهودی‌ستیزی تبلیغ و توسعه داده می‌شود و مبارزات توده‌ها علیه وضعیت موجود، بعنوان مثال جنبش جلیقه زردها در فرانسه با روش‌های مستقیم فاشیستی سرکوب می‌شود.

سازمان‌های رسمی راسیستی، فاشیستی توسط دولت‌ها تحمل شده و بعضاً از طرف مراجع دولتی آشکارا پشتیبانی و پوشش داده می‌شوند. در کشورهای با سیستم‌های بورژوا-دمکراتیک، بورژوازی بطور عینی خود را برای سرکار آوردن یک قدرت فاشیستی آماده می‌کند. طبیعی است که در این رابطه مقاومت و مبارزه هم گسترش می‌یابد.

وظایف کمونیست‌ها در این مبارزات توسعه‌یابنده و برحق علیه راسیسم و فاشیسم روشن است. ما می‌بایست بطور خستگی‌ناپذیر و پیوسته رابطه راسیسم و فاشیسم با سرمایه‌داری را نشان دهیم. یک مبارزه واقعی ضد راسیستی آنگاه

امکان پذیر است، که این مبارزه همزمان علیه نظام سرمایه‌داری- امپریالیستی انجام شود. کنگره ما بر این واقعیت بار دیگر تاکید کرد.

### **\* سرمایه‌داری دشمن تمامی طبیعت است!**

رویدادهای چهار سال اخیر به وضوح ثابت می‌کنند که سرمایه‌داری نه تنها سیستمی خصمانه علیه کارگران و زحمتکشان، بلکه دشمن طبیعت نیز هست. نمود بارز آن وضعیت غیر عادی تغییر جو ویران‌کننده‌ای است که روز بروز شدت می‌یابد و بانی آن شیوه تولید سرمایه‌داری است.

مردم زیادی می‌بینند، تجربه می‌کنند و می‌فهمند که نظام سرمایه‌داری - امپریالیستی چون نیروی محرکه آن کسب ارزش افزوده در زمانی کوتاه است، تعادل طبیعی را بطور غیر قابل برگشت تخریب کرده‌است. اگر جلوی این تکامل گرفته نشود، جهان توسط سرمایه‌داری به سیاره‌ای غیر قابل زیست برای انسان‌ها تبدیل خواهد شد. سرمایه‌داری عامل اصلی ویرانی محیط زیست است و جهان را به نابودی می‌کشاند.

حرکت اعتصابی محصلین که در کشورهای سرمایه‌داری غرب در زیر شعار «تعطیلی برای آینده» ( Fridays for future) صورت گرفت دقیقاً واکنشی در برابر این روند بود. ده هাজার نوجوان مدارس پایه‌ای، متوسطه و عالی در کشورهای زیادی در بعد جهانی و عمل مشترک «ما اینجا هستیم ما صدایمان را بلند می‌کنیم» خواست خود را با در دست داشتن پلاکات‌های که روی آن‌ها نوشته شده بود «نه به تغییر جو بلکه تعویض رژیم»، فریاد می‌زدند: «آینده متعلق به این کودکان است».

اگر آن‌ها این واقعیت را دریابند که این نظام امپریالیستی است که آینده آن‌ها را نابود می‌کند باید گفت «وای بحال این سیستم!».

این وظیفه ما کمونیست‌هاست که در تمامی این حرکات مبارزاتی بزرگ سوال بردن نظام فعلی در دستور کار و مرکز مبارزاتی‌مان قرار داده و برای تحقق آن مبارزه کنیم.

\* این برای مبارزات زنان علیه پدسالاری و برابری حقوق هم صادق است. این مداخله سیاسی همچنین در مبارزات مهاجرین برای ایجاد سازمان‌های مستقل خود و مبارزات خلق‌ها و ملت‌های تحت ستم که علیه مداخلات امپریالیستی و حقوق ملی خود مبارزه می‌کنند درست است. این مبارزات همچنین برای تمامی ستم‌دیگان، فرودستان و تمام آنهاییکه از طرف حاکمین بعنوان مثال جنبش «LGBTQ» (Lesben, Schwule, Bisexulle, Transgender, Queer) - زنان همجنسگرا، مردان همجنسگرا، دوجنسگرا، ترنس‌جنسگر و کوئیر- تعریف، مورد پیگرد قرار گرفته و سرکوب می‌شوند نیز معتبر است.

### **سوسیالیسم یا سقوط در بربریت!**

طبیعی است که این مبارزات برای پرولتاریا علیه بورژوازی هم صادق است. برخلاف ادعای چندین دهه نظریه - پردازان و مبلغین بورژوازی که می‌گویند طبقه کارگر دیگر وجود خارجی نداشته و محو می‌شود، برعکس واقعیت این است که طبقه کارگر در تمامی کشورها در حال افزایش کمی است!

اگر در مقابل امپریالیسم ایستادگی نشود، جهان را با خود به سمت نابودی و بربریت سوق می‌دهد. تنها نیروئی که می‌تواند از این روند جلوگیری کند، سوسیالیسم است که در مبارزات انقلابی طبقه کارگر، زحمتکشان و خلق‌های تحت ستم بار دیگر تولد خواهد یافت. یا سوسیالیسم یا سقوط در بربریت؛ واقعیتی که تکامل رویدادها در چهار سال اخیر نشان داده است و جامعه بشری در مقابل این آلترناتیو قرار دارد. دیگر وقت آن نیست که ما خود را با رویای اصلاح‌طلبی امپریالیستی مشغول کنیم، و یا این تصور که سرمایه‌داری دولتی بدون بحران، و یا امپریالیسم می‌تواند با صلح همساز باشد و غیره را داشته باشیم. هر کس باید خودش تصمیم بگیرد! کنگره ما بار دیگر به این واقعیت اشاره کرد.

### **وظیفه اصلی: ایجاد احزاب بلشویکی!**

\* تکامل بین‌المللی در چهار سال اخیر نشان داده‌است که وظیفه اصلی کمونیست‌ها در تمامی کشورها ایجاد احزاب کمونیستی بلشویکی و تحکیم ساختمان احزاب موجودند.

ما همواره تجربه کرده‌ایم که توسعه عینی مبارزه طبقاتی بدون وجود یک رهبری کمونیستی یا خود از درون تجزیه شده و یا با کمی عقب نشینی‌های رفرمیستی بورژوازی خاتمه می‌یابد و یا حتی بعنوان اهرم جنبش‌های فاشیستی مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد.

ما استحکام حزب بلشویکی‌مان را که با تمامی نیرو برای آن کار می‌کنیم بعنوان وظیفه اصلی خود می‌دانیم که متأسفانه به کندی پیش می‌رود. پیام ما به تمامی کمونیست‌های کشورهای دیگر است که تمامی نیروی خود را برای تحقق این امر مهم بکار گیرند.

به اعتقاد ما وظیفه اساسی کمونیست‌هاست که در چارچوب بین‌المللی برای ایجاد یک حزب جهانی کمونیستی فعالیت کنند. امری که برای پیروزی انقلاب سوسیالیستی یک پیش‌فرض تشکیلاتی بسیار مهم است. ما به این مسأله آگاهییم که امروزه شرایط ذهنی برای ایجاد یک حزب جهانی کمونیستی همانند کمیترن (Komintern) «سازمان بین‌المللی احزاب کمونیست» هنوز فراهم نیست. ولی این واقعیت را تغییر نمی‌دهد که این امر یک هدف تعیین کننده در سطح بین-المللی است. آنچه که امروز در چارچوب بین‌المللی قابل تحقق است و برای نزدیکی به این هدف، سازماندهی بحث درون نیروهای کمونیستی حول ایجاد یک منشور مشترک است. در این رابطه انحلال «ICMLPO» (کنفرانس احزاب

و سازمان‌های مارکسیست - لنینیستی) را در دوره کاری گذشته بعنوان یک عقب‌گرد ارزیابی می‌کنیم. ما از کوشش «ICOR» (هماهنگی احزاب و سازمان‌های انقلابی) که می‌کوشد جنبش انقلابی را در سطح جهانی سازماندهی نماید، قدردانی می‌کنیم.

ما بعنوان عضو پایه‌گذار (ICOR) فعالیت می‌کنیم، ولی به این مطلب آگاهیم که (ICOR) ابزار وحدت نیروهای کمونیستی نیست. ما بیش از هر چیز به چنین ابزاری محتاجیم.

### هدف بورژوازی ترکیه: رسیدن به یک قدرت امپریالیستی!

طبیعی است آنچه که ما در کشور هایمان (کردستان شمالی/ترکیه) در چهار سال گذشته تجربه کرده‌ایم جدا از تحولات بین‌المللی نیست. بورژوازی انحصاری ترکیه که خود را در سال‌های ۲۰۰۰ تقویت نمود، می‌خواهد در مبارزه جاری قدرت‌های امپریالیستی برای تقسیم جدید حوزه‌های نفوذ بعنوان یک بازیگر مستقل دخالت نماید. او می‌خواهد حول میز گرگ‌ها جای گیرد تا در تقسیم طعمه سهم بزرگی را از آن خود کند. این نقشه و برنامه بورژوازی ترکیه است. اما برای پیاده کردن این نقشه هنوز فراموش می‌کند که در مقایسه با قدرت‌های امپریالیستی قدیم ضعیف است - با وجود قدرت-یابی در دهه‌های اخیر او هنوز همانند گذشته یک بورژوازی وابسته است. او اغلب لقمه‌ای بزرگ به دهان می‌گیرد، ولی پیوسته توسط قدرت‌های بزرگ امپریالیستی، حد و مرزش به او گوشزد می‌شود.

اصولا برای اینکه بتوان در تقسیم مجدد شریک شد باید جبهه درونی تقویت شود و برای این کار باید قدرت فاشیسم بیشتر شود، به راسیسم علیه جنبش ملی خلق کرد دامن زده شود و همه حتی مخالفین بورژوا دمکراتیک هم زیر سلطه ترور برهنه قرار گیرند. هرگونه جنبش مقاومت، عمل اعتصابی و تظاهرات که قدرت رشدیابندگی داشته باشند با ترور فاشیستی در نطفه خفه شود. در خارج، همانطور که در طرابلس (Cerablus) و افرین (Efrin) شاهد آن بودیم دولت فاشیستی ترکیه از دست زدن به جنگ‌های اشغالگرانه استعماری هم ابائی ندارد.

### ابعاد جنگ قدرت درون بورژوازی - کودتای نافرجام

مبارز درونی بورژوازی ترکیه بر سر قدرت در چهار سال گذشته بشدت افزایش یافته است. ائتلاف مابین AKP (حزب مساوات و توسعه) و فرقه «فتح‌الله گولن» (Gülen - Bewegung) مشترکا با بوروکراسی غالب کمالیسم مبارزه کرد. بعد از اینکه این ائتلاف الیگارش بوروکراسی کمالیسم را از نهادهای دولتی تصفیه کرد، زمان آن رسیده بود که قدرت را بین خود تقسیم کنند، > نزاع برادران< شروع شد.

در مبارزات چهار سال اخیر (Erdogan-AKP)، «جنبش گولن» را از مواضع قدرت دولتی و جامعه تصفیه و مقاومت عناصر معینی را در سیاست ترکیه خنثی کرد. بطوریکه «جنبش گولن» توانست بنام مبارزه برای دمکراسی، آزادی و غیره تقریبا تمامی اپوزوسیون بورژوازی را پشت سر خود جمع کند.

ترکیه شاهد کودتایی در ۱۵ جولای ۲۰۱۶ بود. برنامه این کودتا که در رادیو و تلویزیون به اطلاع عموم رسید تماما کمالیستی بود و تمامی نیروهای را مورد خطاب قرار می‌داد که مخالف دولت اردوغان و (AKP) بودند. این اقدام کودتاگرانه از طرف امپریالیست‌های غربی، مشخصا آمریکا با حسن نیت برخورد شد. این کودتا فرصت اینکه دولت اردوغان را که دیگر تحت کنترل کامل قرار نداشت کنار زده و یا حتی‌الامکان به تمکین وادار نماید، شکست خورد. کودتا در عرض دوازده ساعت پایان یافت.

عوامل زیادی در شکست این کودتای خونین که در تاریخ ترکیه مملو از آن است دخیل بودند. بدون شک یک عنصر اساسی در ارزیابی نادرست کودتاگران از ظرفیت بسیج پایه‌ای (AKP) و آمادگی او در برابر یک کودتای احتمالی بود. بطور غیر منتظره ده‌ها هزار نفر علیه کودتا به خیابان‌ها آمدند.

### هجوم به کودتا

\* کودتای ناموفق فرصت مناسبی برای دولت اردوغان فراهم آورد که تشکیلات «گولن» را کاملا درهم بکوبد، قدرت خود را تثبیت کرده و به سیستم ریاست جمهوری گذر نماید. درست بعد از کودتای شکست‌خورده در قوه قضائیه و ارتش یک تصفیه بزرگ صورت گرفت. پنج روز بعد از کودتا در بیستم جولای ۲۰۱۶ به دولت اردوغان در مجلس اجازه داده شد با کمک قوانین اضطراری در تطابق با قوانین جاری حکومت کند. با صدور حکم‌های دولتی، نابودی تشکیلات «گولن» بصورت خشن به پیش برده شد که تا امروز هم ادامه دارد.

در روز هفدهم آوریل در ترکیه همه‌پرسی در باره تغییر قانون اساسی انجام شد که با اکثریت کمی قبول شد. نظام دولتی تا کنون پارلمانی، حداقل در روی کاغذ، به سیستم ریاست جمهوری آن هم از نوع ترکی آن تبدیل شد.

بعد از به جلو انداختن انتخابات مجلس و ریاست جمهوری در روز بیست و چهارم جولای ۲۰۱۸ هم از نظر حقوقی و عملی تغییر به نظام ریاستی (Präsidential) جمهوری بطور کامل تحقق یافت. اردوغان در اولین دوره انتخابات به عنوان اولین رئیس جمهور سیستم جدید دولتی انتخاب شد.

هر چند که خواست «سیستم ریاستی» از اوایل سالهای ۱۹۹۰ خواست بورژوازی بزرگ ترکیه بود ولی همواره با مقاومت روبرو می‌شد. فضای ایجاد شده بعد از شکست کودتا در را بروی این خواسته باز می‌کرد.

آزمایش کودتا راه را برای همکاری (AKP) - حزب مساوات و توسعه - و (MHP) - حزب جنبش ملی - گشود حزب اردوغان برای رسیدن به «سیستم ریاستی» اکثریت لازم پنجاه درصد بعلاوه یک رای را بدست آورد که هم در همه پرسی برای قانون اساسی و هم انتخاب اردوغان به ریاست جمهوری ائتلاف (AKP) و (MHP) تعیین کننده بود. بعد از

شکست کودتا، (MHP) عملاً به بخشی از دولت تبدیل شد. حتی امروز هم سیاست فاشیستی دولت در ترکیه مهر (MHP) را بر خود دارد.

### گسترش فاشیسم

\* مهمترین تغییر اساسی در چهار سال گذشته بدون شک، قطع فوری برداشت «روند اضمحلال فاشیسم» بود که در سال کاری گذشته مشخص کرده بودیم. به این روند سرعت پایان داده شد و بجای آن روند نوین «تشدید فاشیسم» قرار گرفت. در اینجا مسأله کرد نقش اساسی را داشت و آن هم قطع مذاکرات صلح توسط دولت اردوغان با (PKK) - حزب کارگران ترکیه بود - قبل از نوروز ۲۰۱۵ - که عملاً از ۲۰۰۸ تا آوریل ۲۰۱۵ جریان داشت. این مسأله نقطه عطفی در پایان دادن به «روند اضمحلال فاشیسم» و تغییر سیاست در جهت تشدید فاشیسم بود. در رابطه با مسأله کرد، حزب اردوغان (AKP) خط > راه حل مذاکرات < را که از طرف او بین سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۵ در جریان بود ترک کرد. این حزب سپس به سمت <خط سنتی> دولت ترکیه، نابودی (PKK) برگشت. در این رابطه تحولات - رجاوا - (Rojava) نقش مهمی داشت.

با مقاومت دلیرانه در برابر حملات (IS) - خلافت اسلامی - در کوبانی (Kobane) (PYD- YPG) - حزب اتحاد دموکراتیک - واحدهای دفاع خلقی - توسط قدرت‌های امپریالیستی غرب و بیش از همه USA بعنوان موفق‌ترین نیروهای رزمنده برسمیت شناخته شدند. از طریق PYD-YPG، حزب کارگران ترکیه (PKK) ناگهان به متحد ائتلاف ضد «خلافت اسلامی» - IS - در سوریه ارتقاء یافت. تحولاتی که اصلاً مورد خوشایند دولت ترکیه نبود.

**\* یازدهمین کنگره ما همچنین لازم می‌داند، به ارزیابی زیرین در شمال کردستان/ترکیه اشاره کند:**  
**با نزاع‌های «فرقه‌گرایان اجتماعی» مبارزه کنیم**

در کشورهای ما آگاهی دموکراتیک، حتی در مفهوم بورژوائی آن کاملاً رشد نیافته است. مبارزه سیاسی در غالب «اجتماعات بسته و فرقه‌گرایانه» صورت می‌گیرد، تمامی باصطلاح دیگران غیر خودی و شیطنی قلمداد شده و باید با آن‌ها مبارزه شود.

در حال حاضر جامعه که از مجموعه‌ای «فرقه‌گرایان اجتماعی و درون‌گرا» تشکیل شده است، بطور عینی در رابطه با مبارزه سیاسی به دو اردوگاه بزرگ تقسیم می‌شوند. این دو اردوگاه خود را با موضعشان نسبت به رئیس جمهوری فعلی (Recep Tayyip Erdogan) - رجب طیب اردوغان - تعریف می‌کنند.

### اردوی رجب طیب اردوغان

برای این دسته اردوغان نعمتی از طرف خداست، او فردی است که نظرش را علیه تمامی جهان اعلام می‌کند > استوار ایستاده <، «سر خم» نمی‌کند و «فرمانده در سطح محلی و ملی» است. او کسی است که ترکیه را به شکوفائی (جلال و جبروت) زمان عثمانی خواهد رساند. او در واقع یک (Messias) نجات دهنده است.

مهمترین نیروهای سیاسی این اردوگاه در کنار حزب اردوغان (AKP) «حزب مساوات و توسعه» از ۱۵ جولای ۲۰۱۶ «حزب جنبش ملی» (MHP) قرار دارد. دو حزب اصلی این اردوگاه در شرایط حاضر تنگاتنگ تحت شعار > یک کشور پدری، یک ملت، یک پرچم، یک کشور < مبارزه می‌کنند. آن‌ها چنین وانمود می‌کنند که تنها مدافعین «حفظ موجودیت ترکیه در مقابل دشمنان داخلی و خارجی هستند». آن‌ها در شرایط فعلی مانند یک حزب رفتار می‌کنند. آن‌ها ادعا می‌کنند که پیوندشان نه «تا یکشنبه انتخابات» بلکه تا درون قبر هم پایدار خواهد ماند. ولی آنهایی که امروز به همدیگر اظهار وفاداری می‌کنند، فراموش می‌کنند که چگونه قبل از ۱۵ جولای ۲۰۱۶ رکیک‌ترین فحش‌ها را به هم می‌دادند. واقعیت این است که این دو حزب، هم آنچه که به برنامه آن‌ها مربوط می‌شود و هم در عمل سیاسی اختلافات عظیمی با هم دارند. آن‌ها باندازه کافی دارای اختلافات شکننده هستند که این ائتلاف را از درون منفجر نماید، زمانیکه (AKP) دیگر به (MHP) نیازی نداشته باشد و یا برعکس.

### اردوی مخالف رجب طیب اردوغان

برای این دسته، اما اردوغان یک دزد، فاسد و قاتل و یک دیکتاتور تشنه مقام و شهرت است که ترکیه را از دموکراسی به یک رژیم دیکتاتوری فردی سوق داده است. او ترکیه را از تمامی جهان متمدن منزوی کرده و به نیستی می‌کشاند. آن‌ها ادعا می‌کنند خطر بزرگی > دولت قانونی سکولار جمهوری ترکیه < را که توسط «مصطفی کمال آتاتورک» بنیان گذاشته شده بود، تحت حاکمیت اردوغان به مخاطره افتاده است. ارزش‌های این جمهوری مدرن توسط او پایمال می‌شوند و اینکه قصد دارد این جمهوری را نابود کند. مدت زیادی است که این اردوگاه ادعا می‌کنند که اردوغان در صدد است ترکیه را به یک حکومت اسلامی تبدیل کند.

در ساله‌ای اخیر این داستانسرای تغییر پیدا کرده است. حال او را ملامت می‌کنند که او قصد دارد دولت دموکراتیک را به یک دیکتاتوری فردی تبدیل کند و اینکه او یک لعنتی است و موجب اذیت و آزار شده است و ترکیه باید هرچه زودتر جدا از اینکه به چه طریقی و به چه روشی، خود را از شر او رها کند.

این اردو توسط (CHP) «حزب جمهوری خلق» رهبری می‌شود که در راس آن (Kilicdaroglu) «کیلی کادار اگلو» قرار دارد که از طریق یک روند غیرقانونی به دبیرکلی این حزب رسیده است. «حزب خوب» (IYI) که جریانی جدا شده از (MHP) است و حزب «سعادت» (Saadet)، جانشین حزب «اربان» (Erbakan) از دیگر بازیگران رسمی این اردوگاه هستند. این دسته بخش بزرگی از مواد لازم تبلیغی‌شان را از طریق سازمان «گولن» تامین می‌کنند. «گولن» متحد طبیعی این اردوگاه است.

تقریباً تمامی چپ اصلاح طلب تحت شعار «اتحاد تمامی نیروهای دمکراتیک در مبارزات ضد فاشیستی» خود را به این اردوگاه آویزان می‌کند و یا حداقل به زبده‌ای از آن تبدیل شده‌اند. متأسفانه بخشی از چپ انقلابی هم که مبارزات ضد فاشیستی را در مبارزه علیه اردوغان خلاصه می‌کند خود به دنباله‌چین این دنباله‌چین تبدیل شده‌است.

**و ما**

ما بلشویک‌ها همواره گفته‌ایم و باز هم تکرار می‌کنیم: فاشیسم شکل اصلی حاکمیت بورژوازی ترکیه است. دولت ترکیه یک دولت فاشیستی است. تمامی دولت‌های بورژوازی که تا کنون در ترکیه به قدرت رسیده‌اند، فاشیسم را پیاده کرده‌اند. در دوران معین کوتاهی بورژوازی ترکیه بدلیل مبارزه طبقاتی و همچنین وضعیت اقتصادی اجباراً به بعضی از حقوق بورژوا دمکراتیک تن در داد. در این مقاطع مبارزات طبقاتی کارگران و زحمتکشان، مبارزات جنبش زنان، جنبش جوانان، جنبش ملی کرد، توانستند کمی بروز بیرونی یابند. ولی خصلت فاشیستی دولت در این مرحله هم تغییر نکرده است.

روندی که ما امروز تجربه می‌کنیم، نه دوران گذار از دمکراسی بورژوازی به فاشیسم، بلکه پروسه عبور از دیکتاتوری فاشیستی با نقاب دمکراسی بورژوازی به سیستم «ریاستی» دیکتاتوری فاشیستی است. مبارزه علیه فاشیسم در کشورهای ما نباید منحصر به مبارزه علیه این و یا آن حکومت فاشیستی بورژوازی، بلکه باید بمثابة مبارزه‌ای علیه دولت فاشیستی جمهوری ترکیه در مجموع درک شود؛ اگرچه سمت حمله در لحظه‌ای معین علیه رژیم حاکم باشد. نباید شک و یا سوء تفاهمی داشت که سمت اصلی مبارزه در مجموع علیه دولت فاشیستی ترکیه است.

جبهه ضد فاشیستی در کشورمان، جبهه ضد اردوغان نیست، بلکه جبهه‌ای علیه دولت فاشیستی ترکیه است. در این جبهه برای بعضی از نیروهایی که فاشیستی هستند، و در صورت به قدرت رسیدن، خودشان فاشیسم را پیاده خواهند کرد جایی نیست. پیام ما به تمامی نیروهای دمکراتیک، انقلابی، و کمونیست‌هاست: خود را از موضعی که شما را در جنگ قدرت حاکمین به دنباله‌چین و یا خوش‌باوران ساده لوح این و یا آن بخش بورژوازی تبدیل می‌کند، کنار بکشید.

**ما جبهه خودمان را داریم:**

این جبهه‌ای مستقل از تمامی بخش‌های بورژوازی است، جبهه کارگران و زحمتکشان، که در برابر خلق با خطی انقلابی بمثابة آلترناتیو واقعی عمل می‌کند. بیایید این جبهه را مشترکاً بنا نماییم! یازدهمین کنگره ما مرکز ثقل کار خود را حول بحث، ارزیابی و حل مشکلات تشکیلاتی و رشد سازمانی ما قرار داد. برای ما یقین شد که هم در کشورهای خودمان و هم در سطح بین‌المللی، تاثیر ایدئولوژیک و سیاسی ما بیشتر از قدرت تشکیلاتی واقعی ماست.

کنگره همچنین اقدام‌های معین تشکیلاتی را به تصویب رساند، برای اینکه این عدم تناسب را بر طرف نماید. کنگره خط عمومی سازمان را که می‌گوید، فعالیت اصلی تشکیلاتی می‌بایست درون طبقه کارگر انجام گیرد را مورد تأیید قرار داد. در ادامه این وظیفه تعیین شد، که ما بحث با گروه‌هایی که ما را بعنوان نیروئی کمونیستی و یا نزدیک به کمونیسم ارزیابی می‌کنند، با هدف وحدت کمونیست‌ها بیشتر دنبال کنیم.

در این رابطه ما تمامی انسان‌ها، گروه‌ها، و احزابی را که خود را کمونیست می‌دانند، فرا می‌خوانیم: اسناد حزب ما را بخوانند و مطالعه کنند و آن را مورد انتقاد قرار دهند. اگر چنین کنید مطمئن هستیم که شما هم خواهان رهجویی برای وحدت هستید.

**پیام ما در یازدهمین کنگره :**

فراخوان به مبارزه‌جویی رزمنده علیه تمامی جهان سرمایه‌داری امپریالیستی!

این بیانیه توضیح چندین باره واقعیت است:

باوجود همه این‌ها:

ما بودیم، هستیم و خواهیم بود!

این پیامی است خطاب به طبقه کارگر، به خلق‌های تحت ستم:

خود را برای قیام و انقلاب علیه نظام امپریالیستی سازماندهی کنید!

این پیامی است به همه کمونیست‌ها، به همه رفقا: با تمام وجود برای سوسیالیسم و کمونیسم آرمان ارزنده ما به پیش!

امید ما به قیام است، رهائی در انقلاب به رهبری پرولتاریاست.

پیام یازدهمین کنگره ما، پیام انترناسیونال کمونیستی است

**پرولتاریای تمامی کشورها متحد شوید!**

**پرولتاریای تمامی کشورها و خلق‌های تحت ستم متحد شوید!**

هدف ما فتح جهانی بدون استثمار است!

حزب بلشویکی (کردستان شمالی/ترکیه)

آخر مارس ۲۰۱۹